

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

بزرگترین مأموریت

شناساندن امام علیه السلام و تعلیم حکمت

۲۸ بهمن ۱۳۸۸

۲ ربیع الأول ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در حدیث لوح

در ایام حزن و اندوه شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام قرار داریم و بهتر است در مورد شخصیت فردی و اجتماعی ایشان علیه السلام سخن بگوییم. در گذشته وعده داده بودیم که سخن در مورد همه حضرات معصومین علیهم السلام را تکمیل نماییم. برای رسیدن به این منظور لازم است سخنانی را در مورد حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بیان کنیم. طبق دو روایت متفاوت، شهادت جانسوز ایشان علیه السلام در اوّل یا هشتم ماه ربیع الأوّل اتفاق افتاده است^(۱).

در شکوه و عظمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام همین بس که عیب‌الله خاقان وزیر معتمد عباسی در مورد ایشان علیه السلام چنین می‌گوید: « در شهر سامرا هیچ یک از علویان را همچون حسن بن علی علیه السلام ندیدم و نشناختم، و در وقار و سکوت و عفاف و بزرگواری و کرمش میان خاندانش و نیز بین سلطان و تمام بنی هاشم همتایی چون او علیه السلام ندیدم. بنی هاشم ایشان علیه السلام را بر سالخوردگان و توانگران خویش و همچنین بر فرماندهان و وزیران و دبیران و عوام الناس

۱. بحار الأنوار، جلد ۵۰ صفحه ۳۳۵.

مقدم می‌کنند. دربارهٔ ایشان علیهم‌السلام از کسی تحقیق نکردم جز آنکه نزد آنان در غایت شکوه و اِبهت و جایگاهی والا و گفتار نکو یافتیم و دیدیم که ایشان علیهم‌السلام را بر بزرگان خود مقدم می‌شمارند و دشمن و دوست از ایشان علیهم‌السلام تمجید می‌کنند^(۱).

در حدیث لوح که خداوند متعال به معرفی ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام می‌پردازد، بعد از معرفی حضرت امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید:

«أُخْرِجُ مِنْهُ الدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِي وَالخَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ»^(۲).

از او [حضرت امام هادی علیه‌السلام] کسی را که به طریق و راه من هدایت می‌کند به دنیا می‌آورم که گنجینه‌دار دانش من است و حسن علیه‌السلام نام دارد.

این روایت به دو ویژگی دعوت به راه و سبیل خداوند متعال، و علم و دانش فراوان اشاره می‌نماید؛ البته ویژگی اوّل در سراسر این حدیث قدسی تنها در مورد حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام ذکر گردیده است.

آگاهی از علوم مختلف

همه پیشوایان دینی ما (رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام) از دریای علم و دانش الهی بهره‌مند بوده‌اند و این عنایات خداوند متعال است که رهبران دین خود را به سلاح علم و دانش مجهز ساخت تا یکی از فوایدش نا چیز شدن دسیسه‌ها و نیرنگ‌های دشمنان در مقابل آنان علیهم‌السلام باشد.

منصب و مقام امامت اقتضا می‌کند که امام و رهبر نه تنها نسبت به احکام

۱. سیرة الأئمة الإثني عشر، صفحة ۴۸۲، ارشاد، جلد ۲ صفحه ۳۱۱. (با اندکی تفاوت)

۲. کافی، جلد ۱ صفحه ۵۲۷.

دین بلکه نسبت به تمام علوم و دانش هایی که در دوران آن امام علیه السلام مرسوم و متعارف است، اعلم و آگاه تر باشد و به تمام علوم احاطه داشته باشد؛ زیرا امام علیه السلام به معنای مقدّم، پیشرو، پیشگام و افضل است و اگر کسی مفضول و مؤخّر باشد امامت در مورد او معنی و مفهوم ندارد.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نیز از این قاعده مستثنی نبودند و طبق گواهی ها و اعترافات که از علما و دانشمندان آن دوران به دست آمده، می توان اعلمیّت و افضلیّت علمی ایشان علیه السلام را به دست آورد. به عنوان نمونه، هنگامی که حضرت امام عسکری علیه السلام از بختیشوع - که ماهرترین و سرشناس ترین طبیب آن زمان بود و از پزشکان دربار بنی عباس محسوب می شد^(۱) درخواست کردند یکی از شاگردان خود را برای انجام عمل طبّی فصد (رگ زدن) نزد امام علیه السلام بفرستد، این طبیب خطاب به بطریق که برای این عمل مأمور شد، گفت:

«قد طلب منّي ابن الرضا علیه السلام من يفصد، فصر إليه وهو أعلم في يومنا هذا بمن هو تحت السماء، فأحذر أن لا تعرض عليه فيما يأمرك به»^(۲).

همانا فرزند رضا علیه السلام از من کسی را برای فصد کردن در خواست نموده، پس تو به سوی او حرکت کن و بدان که او در این روزگار داناتر از تمام کسانی است که زیر آسمان وجود دارند، پس مواظب باش که در آنچه به تو امر می کند اعتراض نکنی.

گر چه او به این نصیحت عمل ننمود و در موردی به امام علیه السلام اعتراض کرد؛ ولی آنچه از این روایت به دست می آید، اعتراف یکی از ماهرترین و حاذق ترین پزشکان در آن دوران به اعلمیّت و افضلیّت امام علیه السلام بود.

۱. منتهی الآمال، صفحه ۱۰۲۷.

۲. بحار الأنوار، جلد ۵۰ صفحه ۲۶۰.

آگاهی از عالم غیب و ماوراء الطبیعة

از دیگر فضائل ائمه اطهار علیهم السلام آگاهی از عالم غیب و ماوراء الطبیعه می باشد. روایات فراوان و معتبری در کتب روایی وجود دارد که طبق آنها می توان اطلاع و آگاهی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را از عالم غیب و ماوراء الطبیعه به اثبات رسانید. در این مجال به دو روایت زیبا و جذّاب در این زمینه اشاره می کنیم:

۱. محمد بن حمزه دوری نقل می کند که به دلیل فقر و تنگدستی نامه ای به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشتم و از امام علیه السلام چنین درخواست نمودم:

« یدعو الله لی بالغنی ، و کنت قد املقت ، و خفت الفضيحة ، فجزع علیه السلام علی یده : أبشر فقد أتاك الغنی من الله تعالی ، مات ابن عمك « یحیی بن حمزة » و خلف مائة ألف درهم ، ولم یترك وارثاً سواك ، وهي واردة علیك عن قریب ، فاشكر الله ، وعلیک بالاعتصام ، وإیّاك والإسراف ، فورد علیّ المال ، والخبر بموت ابن عمّی ، كما قال علیه السلام عن آیام قلائل ، و زال عني الفقر ، وأدیت حقّ الله تعالی ، و بررت إخوتی ، و تماسکت بعد ذلك و کنت قبل مبدراً »^(۱).

برای بی نیازی و ثروتمندی من دعا نماید؛ زیرا سخت فقیر شده بودم و از ریختن آبرویم نزد مردم می ترسیدم، پس ایشان علیه السلام به دست خود جواب دادند: بر تو بشارت باد! به زودی از جانب خداوند متعال بی نیاز می شوی. پسر عمویت یحیی بن حمزه از دنیا رفت؛ در حالی که صد هزار درهم از خود برجای گذاشت و

۱. الإمامة و أهل بیت، جلد ۳ صفحه ۲۰۹، شرح احقاق الحق، جلد ۱۲ صفحه ۴۶۷.

غیر از تو وارثی ندارد و این خبر به زودی به تو خواهد رسید. پس خدای را شکر نما و بر تو باد اقتصاد و میانه روی و دوری کردن از اسراف. پس از چند روز، آن اموال به دستم رسید و از مرگ پسر عمومیم - همان گونه که امام علیه السلام خبر داده بودند - آگاهی یافتیم و فقر و تنگدستی از من دور شد و حقّ خداوند متعال را ادا نمودم و به برادران خود نیکی کردم و بعد از آن به میانه روی و اقتصاد روی آوردم در حالی که قبلاً انسانی اسراف کار بودم.

همیشه و در همه اعصار انسان هایی زندگی می کرده اند که از عمق مسائل آگاه نبوده اند و فقط به ظاهر امور توجه می کردند. گاهی همین ظاهر نگری برای آنان به حجت و دلیل تبدیل می شد تا خورشید را تاریک بنگرند؛ اما خداوند متعال به واسطه تیزهوشی و علم والای الله، آنان را به راه راست هدایت می فرمود.

۲. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به دستور معتمد عباسی در زندان به سر می بردند. در این ایام، خشکسالی و قحطی عجیبی رخ داد. منابع روایی ماجرای آن عصر را چنین نگاشته اند:

«فأمر الخليفة المعتمد بالخروج للاستسقاء، فخرج المسلمون ثلاثة أيام فلم يسقوا، فخرج الجاثليق في اليوم الرابع بالنصاري والرهبان، وكان فيهم راهب كلما رفع يده إلى السماء هطلت بالمطر، ثم خرجوا في اليوم الثاني وفعلا كفعلهم بالأمس وسقوا سقياً شديداً، فتعجب الناس من ذلك وسبوا بعضهم للنصرانية، فشق ذلك على الخليفة فأنفذ إلى صالح بن وصيف أن أخرج أبا محمد عليه السلام وائتني به، فلما حضر عليه السلام قال له الخليفة: أدرك أمة جدك محمد صلى الله عليه وآله وسلم فيما لحق

بعضهم من هذه النازلة ، فقال أبو محمد عليه السلام : دعهم يخرجون . فقال :
 قد استغنى الناس من كثرة المطرِ فما فائدةُ خروجِهِم . قال عليه السلام : لأزِيل
 الشكَّ عن الناسِ وما وقعوا فيه من هذه الورطة . فأمرهم الخليفةُ
 بالخروجِ وأن يخرج المسلمون معهم أبو محمد عليه السلام . فرفع الراهبُ
 يده ورفعت الرهبانُ معه أيديهم ، فغيبت السماءُ والمطرُ ، فأمر أبو
 محمد عليه السلام بالقبض على يدِ الراهبِ وأخذ ما فيها ، فإذا بعظم آدميٍّ بين
 أصابعه ، فلفه أبو محمد عليه السلام في خرقة وقال : إستسق الآن ، فاستسقي
 فانقطع الغيمُ وانكشف السحابُ وطلعت الشمسُ ، فتعجَّب الناسُ من
 ذلك وقال الخليفةُ : ما هذا يا أبا محمد عليه السلام ؟ قال : هذا عظم نبيٍّ من
 أنبياء الله عزَّ وجلَّ ظفروا به ، وما كشف عن عظم نبيٍّ تحت السماءِ إلا
 هطلت بالمطرِ ، فامتحنوا ذلك فوجدوه كما قال عليه السلام ، وسرَّ الخليفةُ
 بذلك وزالت تلك الشبهةُ عن الناسِ»^(۱) .

معتمد عباسی - خلیفه وقت - دستور داد مردم برای طلب باران به
 سوی بیابان‌ها خارج شوند ، پس مسلمانان سه روز خارج شدند ؛
 ولی بارانی نازل نشد . در روز چهارم جاثلیق همراه تعدادی از
 نصاری و راهبان به بیابان رفت . بین آنان راهبی بود که هر زمانی
 دستش را به سوی آسمان بلند می کرد ، باران نازل می شد . سپس
 در روز دوم نیز به بیابان رفتند و مانند روز گذشته عمل نمودند و
 باران شدیدی نازل شد . مردم از این ماجرا در تعجب فرو رفتند و
 تعدادی از آنان به نصرانیت گرایش یافتند . این مطلب بر خلیفه

۱ . شرح إحقاق الحق ، جلد ۱۹ صفحه ۶۲۵-۶۲۶ .

گران آمد، پس صالح بن وصیف را مأمور نمود که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را از حبس خارج کند و نزد او بیاورد. هنگامی که امام علیه السلام حضور یافت، خلیفه به ایشان گفت: اَمّت جدّت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را دریاب؛ زیرا بعضی از مردم از این ماجرا دچار سستی گشته اند. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: مردم را برای حضور در بیابان فراخوان. خلیفه گفت: مردم به دلیل نزول باران فراوان بی نیاز شده اند پس فایده حضور آنان در بیابان چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: به این وسیله شک و حیرانی را از مردم برطرف می کنم و آنها را از این ورطه هولناک نجات خواهم داد. پس خلیفه به راهبان و نصاری و همچنین مسلمانان دستور داد به بیابان بروند. پس آن راهب و راهبان دیگر دستان خود را بلند کردند و طلب باران نمودند. در این لحظه آسمان شروع به باریدن کرد. امام علیه السلام به شخصی دستور دادند دست راهب را بگیر و آنچه در دست اوست بیاور. پس میان انگشتان او استخوانی از انسان آشکار گردید. امام علیه السلام آن استخوان را میان پارچه ای مخفی نمودند و فرمودند: اکنون طلب باران نما. هنگامی که راهب طلب باران نمود باران قطع شد، ابرها از بین رفتند و خورشید طلوع کرد. مردم از این ماجرا در شگفتی فرو رفتند. خلیفه گفت: ای ابا محمد علیه السلام! ماجرا چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: آنچه در دستان راهب بود استخوان یکی از پیامبران الهی بود و هیچ استخوان پیامبری زیر آسمان آشکار نمی گردد

مگر اینکه آسمان باران نازل می‌کند. مردم این گفته را در معرض امتحان قرار دادند و آن را همانگونه که امام علیه السلام فرموده بودند یافتند و به این وسیله، معتمد مسرور گشت و شک و شبهه از مردم برطرف گردید.

معتمد عباسی که توانسته بود با توسل به دانش الهی امام علیه السلام امت مسلمان را از حیرانی و گمراهی نجات دهد، خوشحال به نظر می‌رسید؛ ولی از سوی دیگر کینه او نسبت به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شعله‌ور گردیده بود و همین مسئله باعث شد که بر تحزکات خود علیه امام علیه السلام بیفزاید.

با تفحصی کوتاه و گذرا در تاریخ انبیا و اهل بیت علیهم السلام می‌توان به این نکته دست یافت که روش و سنت ظالمان و ستمگران این بوده است که از بروز و ظهور فضیلت عالمان و دانشمندان - به خصوص خاندان وحی علیهم السلام - جلوگیری نمایند به همین دلیل مردم از علوم خاندان وحی علیهم السلام و دانشمندان محروم می‌مانند و حتی در مواردی این دانشمندان ناشناخته باقی می‌مانند.

یکی از نشانه‌های علم امام علیه السلام

اهل بیت علیهم السلام معدن علم الهی محسوب می‌شوند. ایشان علیهم السلام به فضل الهی می‌توانستند به زبان و لهجه تمام اقوام و ملل سخن بگویند. این موضوع از بسیاری از ائمه علیهم السلام بروز یافته و در منابع روایی نقل شده است.

خادم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام - نصیر - می‌گوید: روزی دیدم و شنیدم که امام علیه السلام با غلامان رومی، ترکی، هندی، عسقلانی و ... به زبان و لهجه خودشان سخن می‌گویند، تسلط امام علیه السلام بر لهجه‌های گوناگون من را به تعجب

و داشت و با خود فکر کردم که امام علیه السلام در مدینه به دنیا آمده، پس چگونه است که بر تمامی زبان‌ها تسلط دارد؟! در این تفکر بودم که امام علیه السلام خطاب به من فرمودند: کسی که خدا او را حجت و امام بر مخلوقات قرار داده حتماً به او معرفت و شناخت نسبت به همه چیز را آموخته است و اگر اینچنین نباشد تفاوتی بین حجت خدا و دیگران نخواهد بود^(۱).

امین خدا، گنجینه دار علوم کثیر

طبق حدیث شریف لوح، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان گنجینه دار علوم و دانش‌های الهی معرفی شده‌اند. در عرف مردم و عقلای عالم، کسی به عنوان گنجینه دار برگزیده می‌شود که دارای صفت و ویژگی امانت‌داری باشد. فردی که امین نباشد هرگز گنجینه دار خوبی نخواهد بود. بنابراین اگر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان گنجینه دار دانش‌های الهی معرفی شده‌اند حتماً امین هستند. زیارت امین الله برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است؛ ولی خواندن آن در مقام زیارت تمام ائمه علیهم السلام توصیه شده است. در این زیارت خطاب به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام عرض می‌کنیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحِجَّتَهُ عَلَيَّ عِبَادَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمَلْتَ بِكِتَابِهِ»^(۲).

سلام بر تو ای امانت‌دار خدا در زمین او و حجتش بر بندگان او،

۱. چهره‌های درخشان سامراء، صفحه ۱۰۷.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت امین الله.

سلام بر تو ای امیرمؤمنان! گواهی می‌دهم که تو در راه خدا جهاد کردی چنانچه باید، و به کتاب خدا عمل کردی.

در این زیارت امام علیه السلام را با لفظ امین الله مخاطب قرار می‌دهیم. کلمه «امین» در اینجا به الله اضافه شده است. «الله» لفظی است که مستجمع و در بردارنده تمام اسمای الهی است؛ لذا امام علیه السلام امین و امانت‌دار مشخصی است که نسبت به تمام اسمای الهی امین محسوب می‌گردد؛ به همین دلیل امین الرزاق با امین الرحمان یا امین العالَم و ... گفته نمی‌شود. بنابر این امام یعنی انسان کامل و انسان کامل، کسی است که همه کمالات و فضائل یکجا در او جمع شده است. یکی از نشانه‌ها و مقومات کمال، امانت‌داری است؛ زیرا انسان خائن را انسان کامل نمی‌نامند. کسی که تمام خزائن الهی اعم از تشریح و تکوین به دست او سپرده می‌شود، باید کسی باشد که قدرت صیانت و نگهبانی را داشته باشد و شایسته لقب امین الله باشد.

قرآن کریم انبیای الهی علیهم السلام و فرشتگانی همچون جبرئیل علیه السلام را «امین» نامگذاری می‌نماید. خداوند متعال هنگامی که پیامبران علیهم السلام را توصیف می‌کند از زبان آنها می‌فرماید:

﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾^(۱).

مسلمان من برای شما پیامبری امین هستم.

همچنین در وصف جبرئیل علیه السلام که پیک وحی الهی است می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ * مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾^(۲).

۱. سوره شعراء، آیه ۱۰۷.

۲. سوره تکویر، آیه ۲۱-۱۹.

این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است * که صاحب قدرت است و نزد صاحب عرش (خداوند)، مقام والایی دارد! * در آسمانها مورد اطاعت [فرشتگان] و امین است.

پیک وحی (آورنده پیام الهی) امین است و دقیقاً فرمان خداوند را می‌برد و از سوی دیگر شخص گیرنده وحی الهی نیز امین است. و دقیقاً آنچه را دریافت نموده به مردم ابلاغ می‌کند.

اکنون که امین بودن اهل بیت علیهم‌السلام به اثبات رسید، ممکن است این سؤال به ذهن خطور کند که سند و مدرک امین و امانت‌داری آنان علیهم‌السلام چیست؟ به عنوان مثال اگر مال و ثروتی نزد شما موجود بود و ادعا کردید که از فلان شخص به امانت گرفته‌اید، باید از سوی امانت‌گذارنده سند و مدرک ارائه کنید، در غیر این صورت سخن و ادعای شما پذیرفته نیست. اگر مأمور راهنمایی و رانندگی وسیله نقلیه شما را متوقف نمود و از شما سند و مدرک خواست، در صورتی که ادعا کنید این وسیله به عنوان امانت نزد من گذاشته شده است، باید از ناحیه امانت‌گذارنده دلیل و مدرکی ارائه کنید تا سخن شما پذیرفته شود. به همین دلیل اگر اهل بیت علیهم‌السلام خود را در جمیع امور و کمالات امین خداوند متعال می‌دانند، باید برای ادعای خود سند و مدرک ارائه کنند.

دو بال علم و قدرت

بنابر روایات، علم و قدرت دو ارزش مهم و دو نعمت هستند که چنانچه این دو با امدادهای غیبی در شخصی جمع گردد از آثارش همان خواهد شد که در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام به چشم می‌خورد.

طبق روایات فراوانی که در این زمینه وارد شده، می‌توان دو بال علم و قدرت را سند و مدرک امانتداری آنان دانست. در زمان حضرت امام رضا علیه السلام مجلسی در کاخ مأمون برگزار شد. در این مجلس نمایندگان بعضی از ادیان و فرقه‌های مختلف حضور داشتند. یکی از پرسش‌هایی که در این مجلس مطرح شد و امام علیه السلام به آن پاسخ گفتند در مورد امامت بود. شخصی از حضرت امام رضا علیه السلام پرسید:

«بأي شيء تصح الإمامة لمدعيها؟ قال علیه السلام: بالتص والدليل. قال له: فدلالة الإمام فيما هي؟ قال علیه السلام: في العلم واستجابة الدعوة»^(۱).

بر اساس چه دلیلی امامت برای مدعی آن ثابت می‌شود؟ امام علیه السلام فرمودند: به وسیله نص (تصریح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام قبلی) و دلیل و برهان. پرسید: دلیل و برهان امام چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: در دانش و مستجاب الدعوه بودن.

حضرت امام رضا علیه السلام در این مقام، از دلیل مرکب استفاده نموده و تأکید می‌کنند که علم به تنهایی نمی‌تواند دلیل بر امامت باشد؛ بلکه علم و قدرت به همراه یکدیگر برای اثبات امامت لازم هستند؛ البته با توجه به نص روایات در می‌یابیم که کلمات الهی پایان‌ناپذیر و نامتناهی است^(۲). بنابراین می‌توان علم و دانش امام علیه السلام را نامتناهی دانست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^(۳).

هنگامی که چیزی را مقرر دارد فقط به آن می‌گوید: موجود باش! آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود.

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، جلد ۱ صفحه ۲۱۶.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴ صفحه ۱۵۱ و تفسیر قمی، جلد ۲ صفحه ۴۶.

۳. سوره آل عمران، آیه ۴۷.

قدرت امام علیه السلام را نیز باید به گونه‌ای دانست که اگر چیزی بخواهد و اراده کند، آن چیز هستی می‌یابد.

در داستانی که در ادامه خواهد آمد مشاهده می‌کنید که اگر امام علیه السلام اراده کند با قدرتی که به اذن خدا در اختیار دارد، حتی با کشیدن خطی روی زمین می‌تواند زندگی انسانی را دگرگون سازد و از انتهای فقر و تنگدستی به ثروت و مکنت فراوان برساند.

« روی أبو هاشم أنه ركب أبو محمد علیه السلام يوماً إلى الصحراء فركبت معه ، فبينما يسير قدّامي ، وأنا خلفه ، إذ عرض لي فكرٌ في دين كان عليّ قد حان أجله ، فجعلت أفكر في أيّ وجهٍ قضاؤه ، فالتفت إليّ وقال علیه السلام : الله يقضيه ، ثمّ انحنى على قربوس سرجه فخطّ بسوطه خطةً في الأرض فقال علیه السلام : يا أبا هاشم ! انزل فخذوا كتم ، فنزلت وإذا سبيكة ذهب ، قال : فوضعنها في خفيّ وسرنا فعرض لي الفكر فقلت : إن كان فيها تمام الدين وإلاّ فإنّي أرضي صاحبه بها ، ويجب أن ننظر في وجه نفقة الشتاء ، وما نحتاج إليه فيه من كسوة وغيرها ، فالتفت إليّ ثمّ انحنى ثانيةً فخطّ بسوطه مثل الأولى ثمّ قال علیه السلام : انزل وخذوا كتم ، قال : فنزلت فإذا بسبيكة فجعلتها في الخفّ الآخر وسرنا يسيراً ثمّ انصرف إلى منزله وانصرفت إلى منزلي . فجلست وحسبت ذلك الدين ، وعرفت مبلغه ، ثمّ وزنت سبيكة الذهب فخرج بقسط ذلك الدين ما زادت ولا نقصت . ثمّ نظرت ما نحتاج إليه لشتوتي من كلّ وجه فعرفت مبلغه الذي لم يكن بدُّ منه على الاقتصاد بلا تقشير ولا إسراف . ثمّ وزنت سبيكة الفضة فخرجت على ما قدرته ما زادت ولا نقصت »^(۱).

ابو هاشم می گوید: روزی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روانه صحرا شدند، من نیز به همراه ایشان رفتم. مقداری که راه پیمودیم و ایشان از جلو حرکت می کردند و من از پشت سر، در مورد بدهکاری و قرضی که زمان پرداخت آن فرا رسیده بود، با خود فکر می کردم که چگونه آن قرض را ادا کنم. پس امام علیه السلام به من فرمودند: خداوند متعال آن دین را خواهد پرداخت. سپس به سمت زین مرکب خم شدند و با تازیانه خود روی زمین خطی کشیدند و فرمودند: ای ابو هاشم! پیاده شو آن را بردار و مخفی نما. من پیاده شدم، ناگهان یک شمش طلا در آنجا یافتم و آن را در پاپوش خود مخفی کردم و حرکت نمودیم. باز فکر دیگری به ذهنم خطور کرد و با خود گفتم: اگر به اندازه تمام قرضم بود که چه بهتر؛ ولی اگر به آن اندازه نبود طلبکار را راضی خواهم کرد و بعد از آن واجب است در مورد خرج و مخارج فصل زمستان و آنچه از لباس و... به آن محتاجیم، فکری نمایم. باز امام علیه السلام به من توجه شمرده و برای مرتبه دوم با تازیانه خود روی زمین خطی کشیدند و فرمودند: پیاده شو آن را بردار و مخفی نما. هنگامی که پیاده شدم شمش دیگری یافتم و آن را در پاپوش دیگرم قرار دادم و مقداری از راه را پیمودیم، سپس ایشان علیه السلام به سمت منزل خود رفتند و من نیز به منزل خود رفتم و در خانه مشغول حسابرسی شدم. پس آن قرض را حساب کردم و مبلغ آن را دانستم، سپس آن طلا را وزن نمودم، پس دیدم بدون هیچ کم و زیادی به اندازه

قرضم می‌باشد. سپس احتیاجاتم در زمستان را طبق میانه روی و دور از هرگونه اسراف می‌محاسبه نمودم و مبلغ آن را به دست آوردم. هنگامی که شمش نقره را کشیدم، دیدم بدون هیچ کم و زیادی به اندازه مخارج من در زمستان است.

شبهه به این داستان در زمان حضرت امام باقر علیه السلام نیز به وقوع پیوست. کمیت - که یکی از شاعران ماهر و زبردست بود - نزد حضرت امام باقر علیه السلام شعری که سروده بود را خواند. امام علیه السلام به او فرمودند: آن پرده را کنار بزن و بدره زری را که آنجاست، بردار. این اتفاق در حالی به وقوع پیوست که یکی از اصحاب قبلاً از حضرت علیه السلام درخواست کمک کرده بود، ولی امام علیه السلام فرموده بودند: فعلاً چیزی در دست ندارم^(۱).

امام علیه السلام اهل دروغ‌گویی و دروغ‌پردازی نیست، پس دلیل رفتار دوگانه امام علیه السلام در مورد کمیت و آن شخص دیگر استفاده از قدرت خود در مستجاب الدعوه بودن است. کسی که خازن علم الهی و امین پروردگار محسوب می‌شود از دو بال علم و مستجاب الدعوه بودن بهره‌مند است.

دعوت به سوی پروردگار، با حکمت

همان‌طور که گفته شد نخستین صفت و ویژگی خاصی که حدیث لوح به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منتسب دانست «الداعي إلى سبيلي» بود. این ویژگی تنها در مورد این امام بزرگوار علیه السلام وارد شده است؛ البته تمامی اهل بیت علیهم السلام به سوی خداوند متعال دعوت می‌نمودند؛ ولی این ویژگی در مورد

۱. منتهی الآمال، صفحه ۶۸۷.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. طبق آیات قرآن کریم، راه و سبیل خداوند متعال به انسان بصیرت و آگاهی می‌بخشد و در مقابل، کسی که از راه و سبیل خداوند متعال منحرف شود، به سوی گمراهی قدم برداشته است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^(۱).

بگو این راه من است! من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم. منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم.

همچنین در آیه دیگری در وصف گمراهی می‌فرماید:

﴿وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذْنُ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ * الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾^(۲).

و بهشتیان، دوزخیان را صدا می‌زنند که آنچه پروردگارانمان به ما وعده داده بود، همه را حق یافتیم. آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟! دوزخیان می‌گویند: بله در این هنگام، ندادنده‌ای میان آنها ندا می‌دهد که:

۱. سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

۲. سوره اعراف، آیه ۴۴-۴۵.

لعنت خدا بر ستمگران باد * همانها که [مردم را] از راه خدا باز می دارند و [با القای شبهات] می خواهند آن را کج و معوج نشان دهند و آنها به آخرت کافرند.

بنابر این وظیفه امام علیه السلام، همان هدایت مردم به سوی راه خدا که همان بصیرت و آگاهی است. هدایت به سوی خداوند متعال نیز اسباب و علل منحصر به خود را می طلبد. طبق آیات قرآن کریم یکی از راههای هدایت، حکمت، سخنان و رفتارهای حکیمانه است. خداوند متعال خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

﴿ اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴾^(۱).

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن. پروردگارت از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده و او به هدایت یافتگان داناتر است.

بنابر این اگر کسی می خواهد ارزش سبیل الله و سبیل الرب را دریابد باید از قدر حکمت و اندرز آگاهی داشته باشد. برای رسیدن به این هدف مهم در ادامه به بررسی اجمالی در مورد حکمت می پردازیم.

خداوند متعال می فرماید:

﴿ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا

۱. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

يَذَكِّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١﴾ .

[خدا] دانش و حکمت را به هر کس بخوهد [و شایسته بدانند] می دهد و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان، متذکر نمی گردند.

در این آیه شریف دو نکته با اهمیت وجود دارد: ۱. حکمت به هر کسی داده نمی شود، بلکه باید لیاقت و صلاحیت دارا بودن آن محرز شود. ۲. خداوند متعال که عالم و مخلوقات نزد او قلیل و ناچیز محسوب می شوند، از حکمت به خیر کثیر تعبیر می کند.

طبق روش و سنتی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، در معانی آیات به سخنان آن بزرگواران علیهم السلام مراجعه می کنیم و هرگز از شعار «حسبنا کتاب الله» استقبال نمی کنیم. در مورد حکمت نیز به سخنی از حضرت امام صادق علیه السلام مراجعه می کنیم. حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر حکمت - که همان خیر کثیر است - فرموده اند.

«طاعة الله ومعرفة الإمام»^(۲).

اطاعت و بندگی خدا و شناخت امام است.

حکمت آنچنان دارای ارزش والا و گرانقدری است که خداوند متعال بعثت انبیا را از تلاوت آیات آغاز، و با حکمت به پایان می رساند. خداوند متعال می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۲. کافی، جلد ۱ صفحه ۱۸۵.

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۱﴾.

او کسی است که از میان جمعیت درسی نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

پس نکته قابل توجه این است که حکمت را خوب بشناسیم؛ همان حکمتی که ابتدای آن اطاعت و بندگی خداوند متعال و انتهای آن شناخت امام عَلَيْهِ السَّلَام است؛ همان حکمتی که قلیل آن هم خیر کثیر است؛ همان حکمتی که جمیع انبیا از آدم تا خاتم عَلَيْهِ السَّلَام مأمور هستند برای رسانیدن مردم به هدایت و سبیل خدایی از آن مسیر عبور کنند. پس برای شناخت هر چه بهتر حکمت باید گفت تمام عوالم تکوینی و تشریحی از خداوند متعال آغاز و به وجود مقدس حضرت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه الشریف ختم می‌شود و اگر کسی بتواند حضرت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه الشریف را خوب بشناسد و به وظایف خود عمل کند به حکمت دست یافته است.

اگر در مورد امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه الشریف گفته می‌شود:

«المنتهی إلیه مواریت الأنبیاء»^(۲).

تمام مواریت انبیا به او ختم می‌شود.

به این دلیل است که انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام برانگیخته شدند تا حکمت یعنی همان امام عَلَيْهِ السَّلَام را به مردم معرفی کنند.

۱. سوره جمعه، آیه ۲.

۲. بحار الأنوار، جلد ۹۹ صفحه ۸۴.

معرفت نسبت به امام علیه السلام

مردم در هر زمان مکلف به شناخت امام خود هستند. فضیله می‌گوید: از حضرت امام محمد باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، پس مردن او مردن جاهلیت است و مردم در پیشگاه خداوند معذور نیستند مگر زمانی که امام خود را بشناسند و کسی که بمیرد و نسبت به امام خود معرفت پیدا کرده باشد برای او دیگر تفاوتی ندارد ظهور آن امام علیه السلام جلو بیفتد یا عقب واقع شود و کسی که بمیرد در حالی که معرفت به امام خود حاصل کرده باشد مانند کسی است که زنده و با آن حضرت و در چادر ایشان علیه السلام است^(۱).

اگر در حدیث لوح خطاب به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام «الداعی الی سبیلی» وارد شده به این خاطر است که این امام بزرگوار علیه السلام راه و تلاش خود را از اطاعت و بندگی خدا آغاز کرد و با معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به مردم به پایان رسانید.

قرن‌ها از غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گذرد؛ اما معلوم نیست که چه زمانی اراده خداوند متعال بر ظهور ایشان تعلق خواهد گرفت. شاید قرن‌های بسیار دیگری بگذرد ولی هنوز ایشان عجل الله تعالی فرجه الشریف در پس پرده غیبت به سربرند. بنابر این وظیفه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بسیار عظیم بود؛ زیرا ایشان علیه السلام باید سبیل الله الأعظم یعنی راه حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به صورتی تبیین و تشریح می‌نمودند که برای قرن‌های متوالی بتوانند راهنما و راهگشای انسان‌های منتظر باشند.

۱. بحار الأنوار، جلد ۷ صفحه ۱۷.

خلفای بنی عباس اطلاع یافته بودند که امید مستضعفان حضرت امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به دنیا خواهد
آمد؛ لذا امام علیه السلام را در سامرا میان لشکرگاه به زندان انداختند تا به محض تولد
چنین فرزندی او را به قتل برسانند^(۱)؛ ولی این حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
بود که با اطاعت و بندگی خداوند متعال، حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه
الشریف را محافظت کردند و به خواص اصحاب معرفی نمودند و جایگاه و منزلت
خاص و ویژه ایشان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای شیعیان تبیین کردند.
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در مدت شش ساله خلافت و امامت شان
وظیفه خطیری به عهده گرفته بودند که طبق آن می بایست حجّت و امامی را به
مردم و شیعیان معرفی می کردند؛ چنانچه در ادعیه آمده است.

«بِئْمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَبِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»^(۲).

به میمنت و قدوم مبارک ایشان مردم روزی می خورند و به واسطه
وجود ایشان، آسمان و زمین ثابت و استوار است.

همچنین در مورد حجّت خدا و امام وارد شده است:

«لَوْلَا الْحِجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^(۳).

اگر حجّت خدا نبود، زمین اهلش را نابود می کرد.

با دقت در روایاتی که از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام درباره معرفی حجّت

۱. چهره های درخشان سامراء، صفحه ۸۶.

۲. دعای عدیله، مفاتیح الجنان.

۳. مستدرک سفینه البحار، جلد ۵ صفحه ۲۷۸ و از منابع اهل سنت: ینابیع الموده، جلد ۳
صفحه ۳۶۰.

خدا وارد شده، می‌توان به تلاش و کوشش فراوان امام علیه السلام در این زمینه پی برد. این روایات را می‌توان در کتاب شریف بحار الأنوار، جلد دوم و تفسیری که منسوب به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است و بسیاری از علما و بزرگان بر وثاقت این تفسیر رأی داده‌اند، یافت.

در این مجال به یک نمونه از این روایات اشاره می‌کنیم:

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از حضرت امام سجّاد علیه السلام نقل می‌کنند:

«أوحى الله تعالى إلى موسى عليه السلام: حبّبتني إلى خلقي وحبّبت خلقي إليّ، قال: يا ربّ كيف أفعال؟ قال: ذكّرهم آلائي ونعمائي ليحبّوني، فلأن تردّ أبقاً عن بابي، أو ضالاً عن فنائي أفضل لك من عبادة مائة سنة بصيام نهارها، وقيام ليلها. قال موسى عليه السلام: ومن هذا العبد الآبق منك؟ قال: العاصي المتمرّد، قال: فمن الضالّ عن فنائك؟ قال: الجاهل بإمام زمانه تعرّفه، والغائب عنه بعد ما عرفه، الجاهل بشريعة دينه، تعرّفه شريعته وما يعبد به ربّه ويتوصّل به إلى مرضاته. قال علي بن الحسين عليهما السلام: فأبشروا علماء شيعتنا بالثواب الأعظم والجزاء الأوفر»^(۱).

خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام وحی فرستاد: من را محبوب بندگانم و آنان را محبوب من کن دوستی مرا به بندگانم و دوستی بندگانم را به من بیاموز، حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا! چگونه این کار عملی است؟ خداوند متعال فرمود:

۱. بحار الأنوار، جلد ۲ صفحه ۴.

نعمت‌های مرا به بندگانم یاد آوری کن تا مرا دوست بدارند؛ زیرا اگر تو بنده‌ای فراری را به درگاه من برگردانی، یا کسی را که از آستانه‌خانه من گمراه است هدایت کنی، برای تو از عبادت صد سال که روزهای آن را روزه بگیری و شب‌های آن را مشغول عبادت باشی، برتر است. حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: آن بنده فراری کیست؟ خداوند متعال فرمود: انسان گناهکار و گردنکش. باز حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: پس آن کسی که از آستانه‌خانه‌ات گمراه شده کیست؟ خداوند متعال فرمود: کسی است که امام زمان خویش را نمی‌شناسد و تو باید امامش را به او معرفی کنی، و کسی که پس از شناخت امام زمانش از خدمت کردن به او غایب می‌شود، و کسی که به شریعت دینش آگاه نباشد و تو باید شریعتش و آنچه به وسیله آن پروردگارش را عبادت می‌کند و آنچه به وسیله آن رضایت پروردگارش را جذب می‌کند، به او معرفی کنی. حضرت امام سجاد علیه السلام در این لحظه فرمودند: علما و دانشمندان شیعه را به بزرگ‌ترین ثواب وافرترین پاداش بشارت دهید.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شخصیتی است که انسان‌ها بدون توسل به او و بدون شناخت او دچار گمراهی می‌گردند؛ زیرا تنها دری که انسان را به سوی خداوند متعال رهنمون می‌شود وجود مقدس ایشان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در دعای ندبه خطاب به ایشان عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض می‌کنیم:

« أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتِي؟ »^(۱)

کجاست دری که از آنجا به سوی خداوند متعال رفته می شود؟

و بالاتر از آن در زیارت سرداب مقدّسه می گوئیم:

« السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتِي إِلَّا مِنْهُ »^(۲).

سلام و درود بر تو ای باب خدا که فقط از آنجا به سوی خداوند

متعال رفته می شود!

بنابر این هر موجودی که قصد دارد نزد خداوند متعال تشرف بیابد (گناهکار،

مطیع، انسان، ملائکه مقرب، جبرئیل امین و...) باید از امام زمان عجل الله

تعالی فرجه الشریف اذن بگیرد و این دانشی است که حضرت امام حسن

عسکری علیه السلام از عهده وظیفه تعلیم آن به خوبی برآمدند و آنچه امروزه از معارف و

اصول دین (توحید، نبوت و...) باقی مانده، حاصل زحمتهای و تلاشهای وافر

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است.

امیدوارم خداوند متعال ما را از عارفان به مقام حضرت امام زمان عجل الله

تعالی فرجه الشریف قرار دهد.

« وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت سرداب مقدّسه.

خودآزمایی

- ① حدیث لوح حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را چگونه معرّفی می‌کند؟
- ② آیا لازم است که امام در تمام علوم عصر خود اعلم و برتر باشد؟
- ③ حضرت امام حسن عسکری علیه السلام چگونه نقشه راهب را آشکار نمودند؟
- ④ آیا اهل بیت علیهم السلام به تمام لهجه‌های رایج در عصر خود سخن می‌گفتند؟ دلیل آن چیست؟
- ⑤ آیا لازمه گنجینه دار و خزینه دار بودن، امانت‌داری است؟
- ⑥ سند و مدرک امانت‌داری اهل بیت علیهم السلام چیست؟
- ⑦ سیبیل خداوندی چه تفاوتی با دیگر راه‌ها دارد؟
- ⑧ قرآن کریم برای هدایت چه راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند؟
- ⑨ حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر حکمت چه فرمودند؟
- ⑩ تمام تلاش و زحمات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام برای چه مطلبی بود؟
- ⑪ فرمان الهی به حضرت موسی علیه السلام برای محبوب کردن مردم نزد خداوند چه بود؟
- ⑫ خداوند چه کسی را گمراه از درگاه خود معرّفی می‌فرماید؟

نکته قابل توجه این است که حکمت را خوب بشناسیم؛ همان حکمتی که ابتدای آن اطاعت و بندگی خداوند متعال و انتهای آن شناخت امام علیه السلام است؛ همان حکمتی که قلیل آن هم خیر کثیر است؛ همان حکمتی که جمیع انبیاء از آدم تا خاتم علیه السلام ما مور هستند برای رسانیدن مردم به هدایت و سبیل خدایی از آن مسیر عبور کنند. پس برای شناخت هر چه بهتر حکمت یا بدگفت تمام عوامل تکوینی و تشریحی از خداوند متعال آغاز و به وجود مقدس حضرت امام زمان (عج) ختم می شود و اگر کسی بتواند حضرت امام زمان (عج) را بشناسد و به وظایف خود عمل کند به حکمت دست یافته است.

(صفحه ۲۱ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله بزرگوار رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۱۰۲

۶